گزارش بنیان در مورد مهمترین رخدادهای سیاسی نیمه نخست فروردین

نیمه تاریک ماه

نیمه‌ای از فروردین ماه را نوروز خجسته و عزاداری محرم در تاریکی بی‌خبری فرو بردند و اخبار حیات ملی و جهانی ناگفته ماند. در این نیمه تاریک ماه بسیار خبرها بود. از تاریک شدن افق سیاست در شمال غرب که سایه سیاه آمریکایی‌ها پدید آورد تا تاریکی مفرعرفات و قطع ارتباط او با جهان خارج که اسرائیلی‌ها آن را تدارک دیدند، همه در این نیمه تاریک ماه رخ داد. همه رخ داد و اینک فقط به‌عنوان رویدادهای گذشته به خاطر آورده می‌شوند. شاید این یادآوری آغاز سریعی باشد برای بازگشت دوباره حیات به پیکر نظام خبررسانی که در این پانزده روز بسیار بی‌جان بوده است.

درست هنگامی که روزنامه‌ها در محاق تعطیلات فرو رفتند، معروف‌ترین زندانیان مطبوعاتی کشور به مرخصی رفتند. اکبر گنجی و عمادالدین باقی امکان یافتند ایام عید را نزد خانواده به سر برده و برای زیارت به مشهد مقدس بروند. با این حال، صدور حکمی برای یک وکیل اجازه ماندگاری پانزده روزه یک خوش‌بینی را نداد. ناصر زرافشان وکیل قربانیان قتل های زنجیره‌ای به جرم افشای اسرار دولتی (جزئیاتی ناچیز از پرونده قتل ها) و نگهداری سلاح و مشروب در دفتر کار به زندان و شلاق محکوم و حکم او اعلام شد. دوستان حقوقدان او در ایام تعطیل بسیاری حرف ها در مورد پذیرفته نبودن این حکم به زبان راندند و یکی از اعضای کمیسیون اصل ۹۰ مجلس نیز وعده کرد رسیدگی به پرونده محکومیت زرافشان نخستین اقدام مجلس در سال جاری خواهد بود. ظاهراً قرار است در سال جدید نیز قوه قضائیه مرکز خبر ساز کشور و مسائل قضائی نقطه مرکزی کشمکش های سیاسی داخلی باشد.

اما در عرصه خارجی، نقطه مرکزی کشمکش کماکان ایالات متحده است که تلاش آن برای محاصره ایران و اعمال فشار در ایام عید با برداشتن گام تازه‌ای همراه شد: حضور فعال در آذربایجان و تلاش برای گروه زدن بحران خاورمیانه به دامن ایران. در پانزده روز گذشته، مقام های آمریکایی برای پدید آوردن مشکل در شمال غرب ایران به شدت فعال بوده اند. معلوم شد دیک چنی، معاون بوش در سفر دوره‌ای تدارکاتی خود برای پدید آوردن زمینه اقدام در عراق، به ایران بی توجه نبوده است. براساس گزارش ها او با گروه های کرد در شمال عراق تماس هایی داشته و تلاش کرده است آنها را در جبهه واحدی که از یک سو به تکیه یاری می رساند، از یک طرف پیاده نظام حمله به عراق است و از سوی دیگر به ایران فشار وارد می کند سازماندهی کند. دیک چنی در خلال سفر خود به منطقه با طالبانی دیدار کرده و از او خواسته است نیروهای حزب کارگران کردستان ترکیه (پ.ک.ک) را از شمال عراق اخراج کند. قرار است طالبانی و نیروهای بارزانی این نیروها را با کمک یکدیگر اخراج کنند و ظاهراً نیروهای پ.ک.ک در صورت قرار گرفتن زیر فشار مفری جز مرز ایران نخواهند داشت. اخیراً دیپلماسی ایران در یک اقدام هوشیارانه دیپلماتیک در مورد اعلام تروریست بودن این حزب با ترکیه توافق کرده است. ترکیه نیز متقابلاً نیروهای سازمان منافقان را پس از این تروریست محسوب خواهد کرد. با وجود این اقدام، دستگاه های تبلیغاتی مرتبط با سیاست ایالات متحده در منطقه تلاش کرده اند ایران را کماکان پناهگاه تروریست های کرد ترکیه اعلام کنند. روزنامه حریت در روزهای نخست فروردین ادعا کرد یکی از رهبران پ.ک.ک با مقداری معتنابه از پول های این سازمان از سوریه به ایران کوچ کرده است.

اما تحرکات آمریکایی ها در کردستان عراق بسیار کمتر از اقدامات آنها در گوشه دیگری از بخش شمال غربی ایران بود. در آذربایجان، آمریکایی ها نوعی اعلان حضور تهدیدبار داشتند. ابتدا ریچارد آرمیتاژ مشاور وزارت خارجه ایالات متحده اعلام کرد چنانچه خطر جدیدی ؟! از سوی تهران باکو را تهدید کند، واشنگتن حق مداخله در این امر را دارد و در صورت فشار ایران علیه جمهوری آذربایجان، واشنگتن از باکو جانبداری می کند. سپس راس ویلسون سفیر آمریکا در آذربایجان طی مصاحبه ای گفت که سخنان آرمیتاژ موضع رسمی واشنگتن است و فردای این مصاحبه نیز یک هیأت نظامی آمریکایی وارد آذربایجان شد تا اعلام کند هدف سفر آن بررسی چگونگی دفاع از منافع آذربایجان در دریای خزر است.

تمامی این اقدامات را آمریکایی ها بسیار نمایشی انجام دادند تا چیزی از چشم مقامات ایران پنهان نماند. اندکی پیش از این اقدامات آذری نیز که مثل بسیاری مقامات کشورهای حاصل از فروپاشی شوروی برای حوض خدمتی به آمریکا با یکدیگر مسابقه می دهند، بخش فرهنگی کنسولگری ایران در نخجوان را تعطیل کردند تا همراهی خود را نشان دهند. سفر علی اف به ایران نیز که چندین بار به تعویق افتاده و گویا علت آن عدم توافق بر سر منابع نفتی خزر است همچنان در پرده ابهام باقی ماند، هرچند ممکن است مسائل داخلی به تدریج ظاهر شونده در آذربایجان بر برنامه های آذری ها تأثیراتی داشته باشد: در نخستین روزهای فروردین، گروهی از مردم باکو زیر ضربات باتوم پلیس به مخالفت با ادامه حکومت رائتکذیب کرد و مقامات نظامی-سیاسی آمریکا نیز با ادعای اینکه این یک گزارش اطلاعاتی است حاضر به سخن گفتن در مورد آن نشدند. بعید می نمود کسی باور کند اعضای یک هیأت رسمی فلسطین در هنگام دیدار رسمی از مسکو راهشان را کج کنند و به سفارتخانه ای بروند تا مذاکرات محرمانه کنند. اما خبر به‌عنوان زمینه چینی تبلیغاتی بالاخره کارکرد خود را داشت و مطبوعات صهیونیستی و آمریکایی با مرتبط کردن آن با پرونده کهنه کشتی کارین ای بار دیگر ادعای رساندن پول و اسلحه از سوی ایران برای دولت خودگردان را داغ کردند.

این ادعا تقریباً اندکی قبل از آغاز کنفرانس سران عرب در بیروت رخ داد. همراه با این ادعا که هدف تضعیف موقعیت فلسطینی ها در کنفرانس را تعقیب می کرد، اسرائیل با چاپ سندی در روزنامه های خود ادعا کرد چین برای عربستان سعودی پایگاه موشکی ایجاد کرده است و عربستان در صلح خواهی خود صادق نیست. اما کسی به اینکه عربستان از چین موشک بخرد به عنوان موضوع قابل توجه نگاه نکرد و در مقابل، ادعای ارتباط دولت خودگردان با ایران بهانه تازه سرکوب آشکار دولت فلسطین و راندن تانک ها به قلب مقر عرفات شد.

مقامات آمریکایی نیز بیکار نبودند. چنی در مصاحبه ای با سی.بی.اس اعلام کرد ایران از طریق حزب الله در راه صلح خاورمیانه خرابکاری می کند. ۲۸ ساعت پس از این اعلام اسرائیل با حزب الله وارد تبادل آتش دوباره شد! رامسفلد وزیر دفاع آمریکا دوباره به سراغ کشتی کارین ای رفت و گفت در مورد منشأ سلاح های آن شک ندارد اینکه فتنه گری می کند و عوامل آن راه سوریه به دره بقاع و سوریه و اردن می روند و عمل تروریستی انجام می دهند! کمتر از یک روز بعد شارون به روزنامه اسرائیلی یدیوت آهارونوت گفت از عملیات اخیری که از مرزهای لبنان و اردن علیه اسرائیل انجام شده علی اف پرداختند.

اما آمریکایی ها به زمینه چینی نشان دادن نظامیان خود در مرز شمال غربی ایران اکتفا نکردند و فتیله چراغ دائماً روشن خود علیه ایران در فلسطین و لبنان را نیز بالا کشیدند. نیویورک تایمز در خبری که به دلیل آشکاری جعل حتی نیاز به تکذیب آن توسط مقامات وزارت خارجه روسیه نبود، اعلام کرد دو مقام همراهی کننده یاسر عرفات در سفر روسیه به سفارت ایران رفته و با مقامات ایرانی در مورد حمایت مالی و نظامی ایران از دولت خودگردان توافقاتی کرده‌اند. وزارت خارجه روسیه این خبر را تکذیب کرد و مقامات نظامی-سیاسی آمریکا نیز با ادعای اینکه این یک گزارش اطلاعاتی است حاضر به سخن گفتن در مورد آن نشدند. بعید می نمود کسی باور کند اعضای یک هیأت رسمی فلسطین در هنگام دیدار رسمی از مسکو راهشان را کج کنند و به سفارتخانه ای بروند تا مذاکرات محرمانه کنند. اما خبر به‌عنوان زمینه چینی تبلیغاتی بالاخره کارکرد خود را داشت و مطبوعات صهیونیستی و آمریکایی با مرتبط کردن آن با پرونده کهنه کشتی کارین ای بار دیگر ادعای رساندن پول و اسلحه از سوی ایران برای دولت خودگردان را داغ کردند.

این ادعا تقریباً اندکی قبل از آغاز کنفرانس سران عرب در بیروت رخ داد. همراه با این ادعا که هدف تضعیف موقعیت فلسطینی ها در کنفرانس را تعقیب می کرد، اسرائیل با چاپ سندی در روزنامه های خود ادعا کرد چین برای عربستان سعودی پایگاه موشکی ایجاد کرده است و عربستان در صلح خواهی خود صادق نیست. اما کسی به اینکه عربستان از چین موشک بخرد به عنوان موضوع قابل توجه نگاه نکرد و در مقابل، ادعای ارتباط دولت خودگردان با ایران بهانه تازه سرکوب آشکار دولت فلسطین و راندن تانک ها به قلب مقر عرفات شد.

مقامات آمریکایی نیز بیکار نبودند. چنی در مصاحبه ای با سی.بی.اس اعلام کرد ایران از طریق حزب الله در راه صلح خاورمیانه خرابکاری می کند. ۲۸ ساعت پس از این اعلام اسرائیل با حزب الله وارد تبادل آتش دوباره شد! رامسفلد وزیر دفاع آمریکا دوباره به سراغ کشتی کارین ای رفت و گفت در مورد منشأ سلاح های آن شک ندارد اینکه فتنه گری می کند و عوامل آن راه سوریه به دره بقاع و سوریه و اردن می روند و عمل تروریستی انجام می دهند! کمتر از یک روز بعد شارون به روزنامه اسرائیلی یدیوت آهارونوت گفت از عملیات اخیری که از مرزهای لبنان و اردن علیه اسرائیل انجام شده بوی ایرانی بودن به مشام می رسد و وزیر جنگ او اعلام کرد برای نابودی بنیادهای تروریسم مرز جغرافیایی نمی شناسد! تلاش برای شریر نشان دادن ایران، پروژه مشترک آمریکا و اسرائیل است.

اما در افغانستان، جایی که آمریکایی ها می خواهند در همسایگی ایران اتراق و از هر عاملی برای حفظ امنیت نیروهای خود استفاده کنند رفتار دوستانه تری جریان داشت. زلمی خلیل زاد، نماینده ویژه آمریکا در امور افغانستان و عضو ارشد شورای امنیت ملی آمریکا اعلام کرد واشنگتن آماده انجام مذاکره مستقیم با تهران در مورد حضور نیروهای آمریکا در افغانستان است و به جای ایراد اتهام مستقیم دخالت ایران در افغانستان، با قید «اگر ادعای برای بی ثبات کردن افغانستان تلاش کند» به اتهامات و تهدیدهای معمول پرداخت. به نظر می رسد او در این اعلام آمادگی برای مذاکره تعارفی نکرده باشد، زیرا اندکی قبل از آن نیز با ریچارد مورفی وزیر امور خارجه پیشین آمریکا[او هم ضمن بیان اتهامات معمول، چون آمریکایی ها نیز مانند مقامات ایران زدن حرف حساب بدون ایراد اتهام به طرف مقابل را سخت می یابند] گفته بود ایران مشکل پیچیده‌ای در برابر دولت آمریکا در افغانستان و خاورمیانه است. ظاهراً آمریکایی ها حاضرند جایی که منافعشان ایجاب می کند با این مشکل پیچیده به گفت وگوی مستقیم بدون قید و شرط اقدام کنند و آنها که در محافل سیاسی ایران از نظریه به گفت وگو مستقیم در مورد مسائل منطقه بدو جانبه جای گفت وگو در مورد روابط دو جانبه دفاع می کنند به بیراهه نمی روند. شاید ایران که در جایی مثل ژنو در مذاکرات چندجانبه با آمریکا در مورد افغانستان حرف زده است و می زند، در مذاکره‌ای دو جانبه بهتر بتواند در مورد چند و چون حضور آمریکایی ها در افغانستان، آذربایجان و تکه پاره های حاصل از فروپاشی شوروی با آنها چانه زنی کند.

***

در سایر نقاط جهان هم خبرهایی بود و عمدتاً در فلسطین، که حرف زدن از آن لاجرم ما را دوباره به ایران برمی گرداند فشارهای مداوم اسرائیلی ها در نهایت به ظاهر شدن موج تازه‌ای از عملیات انتحاری توسط عاصی شدگان فلسطینی انجامید و شعله جنگ را بالا کشید. ملاقات های راکه آنتونی زینی میانجی ویژه آمریکایی ها با عرفات و نمایندگان اسرائیل انجام می داد متوقف ساخت و موج خشونت بالا گرفت. در دومین هفته کنار دیوار ردیف کرده به شقیقه آنها شلیک کردند. آنگاه برای رساندن پیام عملیات خود به جهان به خبرنگاران اجازه دادند از آنها فیلم مخابره کنند و ادعای مسخره کشته شدن افراد در نبرد رویارو و از نزدیک را به میان آوردند که خود نیز می دانستند کسی به آن باور نمی کند. پریشب، برای چهارمین روز متوالی عرفات در ساختمان مرکزی مقر خود که آب و برق آن چهار روز است قطع شده در محاصره اسرائیلی ها بود. بوش مداخله طرفدارانه ای کرد که براساس توصیه های مستتر در آن عرفات کشته نمی شد ولی در مقابل باید مسؤولیت دستور عملیات انتحاری را به عهده می گرفت و فرمان قطع آن را می داد. سه روز پیش، پس از آنکه شورای امنیت سازمان ملل نیز در قطعنامه ۱۴۰۲ خود از اسرائیل خواست بدون قید و شرط از مناطق تحت کنترل دولت خودگردان عقب بکشد، عرفات زیر نور چراغ قوه با خبرنگاران گفت وگو کرد. او گفت از روش این قوم جبار نمی ترسد، به عهده‌نامه ای که با همتای خود رابین در مورد صلح بسته است وفادار است و در سخنان خود گفت همان رابینی که این گروه فاناتیک او را کشته است، و دنیا باید برای اجرای قطعنامه ۱۴۰۲ عمل کند. سخنان او و اخبار جنایات اسرائیل موج همدردی با فلسطینی ها را در جهان عرب و شهرهای اروپا برانگیخت. اسرائیل اما، باکی نداشت.

هنگام حمله و عملیات جست وجوی خانه به خانه رام‌الله برای ربودن همه مردان شهر، گروه جدید نفری ای از جوانان صلح طلب اروپایی (یهودی، مسلمان، مسیحی و...) به رام‌الله وارد شده بودند. آنان در خیابان ها در مقابل تانک های اسرائیلی ها قرار گرفتند تا اسرائیلی ها وحشیگری خود را متوقف کنند. اسرائیلی ها دو روز آنها را تحمل کردند و سرانجام سه تن از آنها را با این بهانه که سربازان را تحریک کرده اند زخمی کردند (روز دوشنبه). دولت شارون فروردین، اسرائیلی ها چنگی تمام عیار علیه دولت خودگردان آغاز کردند. بهانه آنها بالا بودن تلفات یکی از حملات انتحاری در بندر حیفا بود که در آن حداقل بیست نفر کشته شده بودند. تانک های شارون بقایای قول و قرارهای پیشین با دولت خودگردان را زیر زنجیرهای خود خرد کردند و ابتدا به رام‌الله و سپس سایر شهرهای کرانه باختری یورش بردند. برای آنکه راه جنگ بی بازگشت شود، به مقر عرفات ریختند و پلیس های مقر عرفات را به گلوله بستند. در یکی از اتاق های مقر پلیس دولت خودگردان، پنج نفر را در گرفته اظهار همدردی کند ولی به علت قطع تماس مقر عرفات با جهان خارج موفق نشده در یکی از بخش های خبری مهجور انعکاسی محدود یافت و حضور مدافعانه نمایندگان مردم اروپا در خیابان های رام‌الله اصلاً به نظر کسی مهم نیامده بود. احتمالاً علت اینکه مردم ایران و سازمان ها و تشکل های غیردولتی کشور میلی به اینکه مانند مردم سایر نقاط جهان حضوری برای محکوم کردن رفتار اسرائیل نشان دهند نیافتند، همین روش خبررسانی بود که براساس آن به نظر می رسید بین حماس و شارون دعوایی دیگر رخ داده است. از دولتی هایی هم که از مردم برای برپایی تظاهرات رسمی معمول دعوت می کنند به دلایل نامشخص خبری نشد....

***

نیمه تاریک ماه به پایان رسید و هرچند هنوز تاریکی مفرد رهبر دولت فلسطینی ها ادامه دارد، اما بسیاری رخدادهای آتی در تابش آفتاب روزهای بلندرخ خواهد داد. امروز شکل و قالب آن رخدادها را نمی شناسیم، اما محتوا و روح آنها و منطق واکنش در مقابل آنها را به تجربه می دانیم. روح و محتوای آنها تنازعی است پایان‌ناپذیر بین منافعی ملی که ملت ها و مدیران دولت های آنان پیروی از عقل حسابگر در بستری از عدالت خواهی و آرمان جویی است. منطق واکنش در مقابل این رخدادها نیز حداقل آنجا که به خودمان مربوط می شود شناخته شده است: کند، متمایل به خیالپردازی در مورد نیروهایی بی آینده، فروخفتگی بعد ملی در آن در محضر عطش بیدار برای رقابت های بی حاصل داخلی و فقدان اجماع و عقل سلیم در شکل گیری آن. با این منطق برخورد، می توان فرجام بسیاری از تنازعات را پیشاپیش بر پیشانی جبهه ها دید. در غرب، شرق، شمال و ماورای دریاها و در پیشانی بسیاری از آدم ها که پیش بینی آغاز سال آنها تصویری از جام زهر در خود دارد.

گنجی و باقی،مرخصی آنها در کنار آزادی بسیاری از زندانیان سیاسی نشان از تحول تازه در قوه قضائیه دارد؟

عرفات، او در دو هفته گذشته نقطه مرکزی مهمترین خبرهای جهان بود. تعطیلات عید و سیاست خبری رسمی ایران مردم را در مورد او بی‌خبر گذاشت

جنگ دوباره در فلسطین؛اسرائیلی ها بقایای قول و قرار راپین- عرفات را نیز زیر زنجیر تانک ها نابود کردند

می خواهد به جهان بباورانند هیچ کس نمی تواند از راه گفت وگو اسرائیل را به دادن امتیاز وادار کند، راه حل اجبار نظامی برای پذیرش عدالت توسط اسرائیل نیز لابد هرگز توسط آمریکا مجاز دانسته نخواهد شد.

هیچ کدام از این خبرها در ایران انعکاس درستی نیافت. دستگاه تبلیغاتی رسانه ای ایران خبر یورش به مناطق زیر کنترل دولت خودگردان را حمله به شهرهای فلسطین، کشتار افراد پلیس دولت خودگردان را کشتن چند جوان مسلمان و محاصره مقر عرفات را مانور دادن سربازان اسرائیلی در ساختمان مقر عرفات خواند(فقط در یک بخش خبری) و در انعکاس خبر به صورتی که بوی تحقیر عرفات را می داد فقط یک همانند داشت که بهتر است نام آن ناگفته بماند. تعارف آقای خرازی به یک مقام فلسطینی که آقای خاتمی می خواسته است با عرفات تماس تلفنی